

## فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۶، ویژه تاریخ اسلام

### تاریخ گذاری آیات سوره مزمل

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۸

تاریخ تأیید: ۹۶/۰۲/۱۷

علیرضا غروی \*

#### چکیده

تاریخ گذاری عبارت است از تعیین تاریخ نزول سوره های قرآن بر پیامبر گرامی اسلام. پیشینه تاریخ گذاری قرآن به دوران صدر اسلام برمی گردد و این نکته با توجه به آثاری چون روایات مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، نسخ و منسوخ و تاریخ پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که هر کدام به نحوی با تعیین زمان و ترتیب تاریخی آیات و سوره قرآن ارتباط می یابد، برمی گردد. هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تاریخ گذاری سوره مزمل و بررسی روایات و گزارش های مفسرین درباره این سوره است. یافته های تحقیق نشان می دهد که اسلوب و انسجام آیات سوره مزمل به گونه ای است که بر نزول تدریجی این سوره در دو بسته یا واحد نزول قرآنی دلالت دارد. سوره مزمل، به ترتیب جمع آوری، هفتاد و سومین سوره قرآن و جزء سوره های مفصلات است و به ترتیب نزول، سومین سوره است که بعد از سوره «قلم» و قبل از سوره «مدثر» نازل شده است.

**واژه های کلیدی:** تاریخ گذاری، سوره مزمل، ترتیب نزول، واحد نزول قرآنی.

## مقدمه

تاریخ گذاری قرآن، عبارت از تعیین تاریخ نزول وحی است که بر پیامبر اسلام ﷺ در طول دوره بیست و سه ساله نبوتش فرود آمده است؛ چه یک سوره تمام یا بخشی از یک سوره باشد. در این اثر از هر بخش از وحی نازل شده بر رسول خدا ﷺ - اعم از یک سوره تمام یا بخشی از یک سوره - تعبیر به واحد نزول شده است.

شاید دلیل این نام گذاری برای آیات وحی، همان نزول تدریجی این کتاب گران قدر باشد. نزول تدریجی قرآن به این معناست که بخشی از یک آیه، تمام آیه و یا آیاتی از یک سوره بنا بر شرایط و سبب نزول خاص، بر پیامبر اکرم نازل می شد. هر کدام از این بخش ها، بانام واحد نزول مورد بررسی قرار می گیرد. پس واحد نزول ممکن است یک سوره یا بخشی از آن باشد.

با توجه به توضیحات فوق می توان تعریف کاملی از تاریخ گذاری قرآن نمود: «تاریخ گذاری یا کرونولوژی قرآن عبارت از این است که به کمک روایات مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، ناسخ و منسوخ، تاریخ پیامبر و بهره گیری از تلویحات یا تصریحاتی که در قرآن راجع به رویدادهای زمان مند تاریخ و رسالت آن حضرت، نظیر شروع دعوت علنی، شکست روم، جنگ بدر و تبوک وجود دارد، زمان و ترتیب تاریخی هر یک از واحدهای نزول قرآن - اعم از یک سوره تمام یا بخشی از یک سوره - شناسایی و معین کرد». (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۲)

## ۱. پیشینه تاریخ‌گذاری قرآن

قدمت تاریخ‌گذاری قرآن به صدر اسلام می‌رسد و این نکته با توجه به آثاری چون روایات مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، ناسخ و منسوخ و تاریخ پیامبر اسلام ﷺ که هر کدام به نحوی با تعیین زمان و ترتیب تاریخی آیات و سوره قرآن ارتباط می‌یابد قابل مشاهده است در این میان مصحف حضرت علی ۷- با توجه به این که مطابق روایات به ترتیب نزول مرتب شده و در آن مکی بر مدنی و منسوخ بر ناسخ مقدم گردیده- مهر تأییدی بر این موضوع است.

پیشینه تاریخ‌گذاری قرآن در میان خاورشناسان به اواسط قرن سیزدهم بازمی‌گردد. تا قبل از اواسط قرن سیزدهم که خاورشناسان به این موضوع اقبال کردند، تقریباً هیچ تلاش علمی چشم‌گیری در این خصوص به دست نیامده است.

از صدر اسلام تا قبل از قرن سیزدهم هجری قمری تنها کاری که درباره تاریخ‌گذاری آیات و سوره قرآن صورت گرفته بود عبارت بود از این که محدثان و مورخان و مفسران مسلمان روایات مختلف ترتیب نزول، اسباب نزول، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ و سیره پیامبر اسلام ﷺ را در آثار خاص و یا در آثار عمومی نظیر تاریخ و تفسیر و علوم قرآن و حدیث بیان کرده یا گاهی به‌طور پراکنده برخی از آن‌ها را نقد نموده‌اند.

اما اینکه ارزش علمی این روایات چقدر است؟ و تا چه اندازه در تاریخ‌گذاری آیات و سوره‌های قرآن به کار می‌آیند؟ در جای خود قابل بررسی است؛ اما آنچه قابل ذکر است، پیشینه تلاش‌هایی است که در این زمینه، دانشمندان غربی و نیز علمای اسلامی از اواسط قرن سیزدهم هجری قمری یا نوزدهم میلادی تاکنون به انجام رسانده‌اند. (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۰) در ادامه به‌صورت مختصر و در دودسته پژوهش‌های خاورشناسان و مسلمانان

بررسی

### ۱.۱. پژوهش‌های دانشمندان مسلمان

دانشمندان اسلامی بعد از آن که نقد و بررسی روایات ترتیب نزول، اسباب نزول، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ و تاریخی را انجام می‌دادند، از اواسط قرن چهاردهم بر آن شدند که آن‌ها را یکجا آورده و به ترتیب تاریخی مورد بررسی قرار دهند. کار متأخرین با چاپ کتابی در مصر- سال ۱۳۳۷ ق- آغاز شد که در آن در صدر هر سوره، ترتیب نزول آن و مکی و مدنی بودن آیات، ذکر گردیده بود. (رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۶۲)

تحقیقات و کتبی که دانشمندان اسلامی در سال‌های اخیر، در خصوص تاریخ‌گذاری آیات و سوره قرآن به نگارش درآورده‌اند، به شرح ذیل است:

#### ۱.۱.۱. تفسیر «بیان المعانی»

در سال ۱۳۵۵ ق یکی از مفسران مسلمان به نام سید عبدالقادر ملاحویش آل غازی عانی، تفسیری با عنوان بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول (آل غازی عانی، ۱۳۸۲ ق، ص ۱۶۸) تألیف کرد، بدون آن‌که در ترتیب آن، تغییری ایجاد کرده باشد.

عبدالقادر از سویی به توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها و نیز ترتیب آیات آن‌ها عقیده داشت و همچنین، قائل بود که پاره‌ای از آیات مدنی در سوره‌های مکی و بالعکس و نیز پاره‌ای از آیات متأخر النزول در سوره‌های متقدم النزول و بالعکس وجود دارد و این به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته است؛ ولی از سوی دیگر ترتیب سوره مصحف‌ها را نادیده گرفته و به قول خود طبق نظر امام علی علیه السلام تفسیری به ترتیب نزول فراهم می‌آورد. جمع دو عقیده فوق در مورد ترتیب سوره‌ها برای وی مشکلی پدید نمی‌آورد اما در مورد ترتیب آیات برای او مشکل ایجاد می‌کند لذا در تفسیر خویش، آیات را از جایشان تغییر نمی‌دهد و آن‌ها را به ترتیب نزول نمی‌آورد؛ به این دلیل که ترتیب آیات سوره‌ها توقیفی است و این کار نظام قرآن را از هم می‌شکافد.

روش بحث عبدالقادر در خصوص آیات و سور قرآن به این ترتیب است که در ابتدای تفسیر هر سوره، مکی و یا مدنی بودن آیات آن را مشخص می‌نماید و در ادامه اگر درباره نسخ آیاتی از آن سوره، خبر و قولی رسیده باشد، آن را بیان و آیات ناسخ و منسوخ را که در سوره هست مشخص می‌کند. اگر در مورد نسخ آیاتی از سوره چیزی بیان شده باشد که با شروط اصولی نسخ منافات داشته باشد، آن را رد کرده و اگر در ذیل آیات، اسباب نزولی روایت شده باشد، به نقل آن می‌پردازد و در اگر روایتی بر تقدم یا تأخر نزول آن آیات دلالت داشته باشد، درباره تاریخ نزول آن نیز به اظهار نظر می‌پردازد.

#### ۱.۱.۲. کتاب «التفسیر الحدیث»

دو سال پیش از آن که تفسیر عبدالقادر به چاپ برسد، در سال ۱۳۸۰ ق مفسری دیگر به نام محمد عزه دروزه بر اساس ترتیب نزولی، تفسیری را با عنوان التفسیر الحدیث علی حسب ترتیب النزول تألیف نمود. این امر نشان‌دهنده این نکته است که وی در هنگام نگارش این کتاب، از اثر عبدالقادر اطلاع نداشته است.

دروزه برخلاف عبدالقادر، در ترتیب نزول سوره‌ها، تغییراتی را ایجاد کرد: به این ترتیب که سوره فاتحه را از ردیف پنجم به اول ترتیب آورده و سوره‌های رعد، حج، رحمان، انسان و زلزله را در ذیل دسته سوره‌های مکی جای داد و سوره‌های حشر و جمعه را قبل از سوره احزاب و سوره‌های ممتحنه و حدید را قبل از سوره توبه آورده است (دروزه، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۱۶).

#### ۱.۱.۳. کتاب «سیر تحوّل قرآن»

مهندس بازرگان از سال ۱۳۴۴ تحقیقی را بر روی ترتیب نزول قرآن شروع و حاصل آن را در سال ۱۳۵۵ در اثری به نام «سیر تحوّل قرآن» عرضه کرده است.

بازرگان روایات ترتیب نزول را دیده و حتی ترتیب عطا از ابن عباس و ابو صالح از ابن عباس و محمد بن نعمان را به نقل از تاریخ القرآن ابو عبد الله زنجانی و فهرست ندیم در پایان جلد دوم کتابش آورده است اما به تعبیر خود از آن‌ها تنها جهت شروع کار و به دست آوردن سر نخ استفاده کرده است (بازرگان، ۱۳۶۰، ص ۵۰).

وجود اختلاف ترتیب، بازرگان را به اتخاذ مبنای جدیدی برای شناسایی ترتیب نزول قرآن برانگیخته است. ایشان با پیش فرض این که نزول قرآن از نظم خاصی پیروی می‌کند، جهت‌های مختلفی چون آهنگ آیات، نوع کلمات، اختصار و تطویل آیات قرآن را مورد بررسی قرار داده است اما هیچ‌یک از آن‌ها را به دلیل این که عام و دقیق نیستند، به عنوان مبنا برگزیده است، هم‌چنین شأن نزول‌ها و مقارنات تاریخی را به جهت این که چندان قابل اطمینان و مورد اتفاق نیستند و برای بیش‌تر آیات پیدا نمی‌شوند، به عنوان مبنا انتخاب نکرده است. او از آن‌ها تنها به عنوان قرینه و نشانه بهره گرفته است.

بازرگان در ابتدا مبنا را طول متوسط آیات قرار داده و درباره شیوه کار خود می‌نویسد: «ساده‌تر و سراسرتر از همه این‌ها، آنچه همه کس فهم باشد، بلندی و کوتاهی آیات است؛ یعنی تعداد کلماتی که هر آیه را تشکیل می‌دهد و ما آن را طول آیه می‌نامیم این نکته معلومات صرف و نحو و لغت‌شناسی لازم ندارد و از وسایل سنجش دیگر بی‌دغدغه‌تر و بی‌اختلاف‌تر بوده، مزیت عمده‌اش این است که مستقیماً به عدد و رقم درمی‌آید. خوشبختانه خواهید دید که از این جهت مابین سوره‌ها، اشتراک رقم و امکان اشتباه وجود نداشته، هر سوره رقم مخصوص به خود دارد که آن را شاخص سوره اصطلاح خواهیم کرد» (بازرگان، ۱۳۶۰، ص ۵۱)

## ۲. مبانی تاریخ‌گذاری قرآن

تاریخ‌گذاری قرآن و مشخص نمودن واحدهای نزول وحی چنان چه در قسمت پیشین بیان گردید- با توجه به اختلاف‌های موجود میان پژوهشگران قرآنی و تنوع پیش‌فرض‌های موجود- خود دارای اختلافات و گاهی مرکز تنش میان آراء نیز می‌باشد. بررسی همه‌جانبه و صحیح و رسیدن به یک امر مشترک و صحیح در این باره، ضروری به نظر می‌رسد اما قبل از پرداختن به تاریخ‌گذاری واحدهای نزول، بحث درباره نظرات برتر حائز اهمیت است.

مهم‌ترین مبانی مورد بحث در این میان عبارت‌اند از:

### الف) تدریجی بودن نزول قرآن

تدریجی بودن نزول آیات قرآن در حقیقت و مهم‌ترین زیر بنائی ترین مبنای تاریخ‌گذاری است و آن عبارت است از این که قرآن فعلی که در یک مجلد به دست ما رسیده است، در طول مدت ۲۳ سال رسالت پیامبر و بر اساس مقتضیات و سؤال‌ها و حوادثی که به وقوع پیوسته؛ نازل گردیده است. نزول قرآن گاه به صورت سوره‌ای کامل، گاهی چند آیه و گاهی یک آیه بوده است.

### ب) عرفی بودن زبان قرآن

عرفی بودن زبان قرآن نیز یکی دیگر از نظریه‌های زیر بنائی در تاریخ‌گذاری قرآن است. معنای عرفی بودن زبان قرآن این است که قرآن به زبان عرفی قوم پیامبر اسلام ﷺ - یعنی مردم حجاز عهد آن حضرت- نازل شده است و بر این اساس باید در بیان مقاصد از الفاظ و تعابیر آنان بهره گرفته و از قواعد دستور زبان پیروی کرده باشد؛ نه آن که با الفاظ و تعابیر جدید یا در قالب قواعد جدیدی سخن گفته باشد (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۵۸).

### ج) گفتاری بودن سبک قرآن

کلام به دو نوع گفتاری (خطابی) و نوشتاری (کتابی) تقسیم می‌گردد که از جهاتی با یکدیگر متفاوت می‌باشند؛ از جمله اینکه نوع نوشتاری آن نمی‌تواند با مخاطب ارتباط مناسب را ایجاد نماید، درحالی‌که کلام گفتاری با توجه به مقتضای حال گوینده به خوبی می‌تواند با مخاطب ارتباط ایجاد نماید.

میزان تأثیر این مؤلفه در تاریخ گذاری قرآن در این است که با فرض این که سبک قرآن گفتاری است، لزومی نخواهد داشت که هر مضمون متمایز یا بسیاری از آیات معترضه را در سوره‌ها، واحد نزول مستقلی تصور کرد و زمان نزول آن را متفاوت از بقیه سوره دانست.

### د) انصراف الفاظ قرآن بر موارد عصر نزول:

انصراف الفاظ قرآن بر موارد عصر نزول، یکی دیگر از مبانی تاریخ گذاری قرآن است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است و عبارت است از این که الفاظ قرآن، حتی عمومات و اطلاعات آن، به افراد و مصادیق و اسباب و مقتضیات عصر و محیط پیامبر اسلام ﷺ نظارت و انصراف دارد و به تعبیر دیگر، مراد از این الفاظ همان افراد و مصادیق عصر آن حضرت‌اند؛ مگر آن که قرینه‌ای برخلاف آن باشد؛ بنابراین، افراد و مصادیق و اسباب و مقتضیات قرآن، مراد آیات را مکشوف و معین می‌سازند و حتی عمومات و اطلاعات قرآن را تخصیص و تقیید می‌زنند. به این ترتیب، این سخن، درست برخلاف سخن اصولیان است که قائل‌اند، الفاظ عام و مطلق قرآن در عموم و اطلاق ظهور دارند و افراد و مصادیق و اسباب و مقتضیات، آن‌ها را تخصیص و تقیید نمی‌زنند.

ناگفته نماند که این مبنا هرگز مستلزم این معنا نیست که قرآن کتابی جاوید نیست و برای مردم اعصار و امصار دیگر، حجیت و کار آیی ندارد؛ منتها نه با حفظ خصوصیتی که



برای موارد عصر نزول بوده است؛ بلکه پس از الغای آن خصوصیات و اخذ معارف کلی و ملاکاتی که در ورای آن الفاظ قرار دارد.

### ۳. منابع تاریخ‌گذاری قرآن

منابعی که برای تاریخ‌گذاری قرآن و واحدهای نزول آن به کار گرفته می‌شوند، شش دسته‌اند و عبارت‌اند از:

الف. آیات قرآن

ب. روایات ترتیب نزول

ج. اسباب نزول

د. سیره نبوی

هـ. مکی و مدنی

و. ناسخ و منسوخ

در ادامه به بررسی برخی از این موارد می‌پردازیم:

#### ۳.۱. آیات قرآن

آیات قرآن را می‌توان به‌عنوان تنها منبع اصیل و غیر محرف تاریخ‌گذاری قرآن نام برد و این بدان جهت است که از دو حیث لفظ و محتوا برای شناخت زمینه‌های مختلف قابل استناد می‌باشد. این شاخص‌ها را می‌توان به شاخص‌های لفظی و محتوایی تقسیم کرد.

کاربرد اتصال لفظی آن در تمیز واحدهای سور تدریجی النزول است. در این سوره‌ها باید به بررسی این نکته پرداخت که آیا میان آیات نازل شده، اتصال لفظی برقرار است یا نه و اگر برقرار نیست، در چند موضع چنین است.

قرآن کریم از لحاظ محتوایی جهات مختلفی مانند تمامیت یا نقص در مضمون، تصریحات یا اشاراتی که به رخداد‌های خاص که در زمان‌های خاص به وقوع می‌پیوندند و نوع موضوع آیات قابل بررسی است.

برخی موضوعات که در آیات آمده‌اند، به دوره و مخاطبان و شرایط فرهنگی و اجتماعی معینی اختصاص دارند؛ به عنوان مثال موضوع هجرت به سال‌های پنجم بعثت تا هشتم هجرت اختصاص دارد و یا موضوع جهاد که به دوره مدنی تعلق دارد.

حجیت شاخص تمامیت یا نقصان مضمون، در بحث عرفی بودن زبان قرآن به اثبات رسیده و در اعتبار و استناد به این شاخص، تردیدی نمی‌توان داشت لکن حجیت شاخص نوع موضوعات، در هر یک از موضوعات، منوط به تأیید با نقل معتبر است.

### ۳.۲. تعیین مکی و مدنی

آیات قرآن کریم در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و متناسب با نیازهای جامعه و سؤالات پیش آمده و وقایع و حوادث و رویدادهای مختلف نازل شده‌اند. برخی از آن‌ها در مکه و برخی دیگر بعد از هجرت و در مدینه نازل شده‌اند.

طبق آماری که از روایات ترتیب نزول به دست می‌آید، ۸۶ سوره مکی و ۲۸ سوره مدنی هستند و دانشمندان علوم قرآن از دیرباز بر اساس شاخص‌ها و معیارهای مختلفی از جمله؛ معیار لفظی و معنوی قرآن، مثل نوع واژگان و ترکیبات آیات، طول و آهنگ آن‌ها و نیز نوع موضوعات و خطاب و مخاطبان، معیار زمانی-زمان نزول در اوایل بعثت بوده یا در اواخر آن-و مکان نزول و... به استنباط مکی و مدنی بودن سوره‌های قرآن پرداخته‌اند.

اگرچه شیوه صحیح شناخت مکی و مدنی قرآن، شیوه سماعی است و حجیت دستاوردهای شیوه قیاسی منوط به تأیید آن‌ها با نقل معتبر- اعم از قرآن و روایت- است، مع‌الوصف، کاربرد روش قیاسی می‌تواند نتایج سودمندی داشته باشد.

### ۳.۳. شناخت اسباب نزول

بسیاری از آیات قرآن به صورت آشکار یا پنهان بر اسباب نزول خود دلالت دارد که با استفاده از مضامینی که در خود آیات قرآن وجود دارد، می‌توان اسباب نزول آن‌ها را دریافت.

برخی از روایات اسباب نزول از صحابه و تابعان به دست ما رسیده است و درواقع همان برداشت‌هایی است که از ظاهر آیات به دست آمده‌اند و با قصصی که از عهد رسول خدا ﷺ به خاطر داشته‌اند، به هم درآمیخته‌اند و مضامین آیات را بر قصص مناسب خود تطبیق داده‌اند.

### ۴. دشواری‌های تاریخ‌گذاری قرآن

تنها شیوه معتبر در تاریخ‌گذاری قرآن شیوه روایی است؛ اما در این شیوه مشکلات و مبهماتی نهفته است که تا حدود فراوانی کار تاریخ‌گذاری دقیق و صحیح قرآن را دشوار و ناممکن ساخته است.

الف) اختلاف دربارهٔ نسیء

یکی از مشکلات تاریخ‌گذاری روایی، روشن نبودن مسئله نسیء در تاریخ‌گذاری جاهلی است که به موجب آن، مدت نزول قرآن حدود هشت ماه یا یک سال تفاوت پیدا می‌کند.

واژه نسیء در لغت به معنای به تأخیر انداختن است و آن به دو معنای مصدری، یعنی به تأخیر انداختن و معنای مفعولی یعنی به تأخیر افتاده به کاررفته است. (طبری، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۳۶۸؛ ابن منظور، ۱۴۰۸، ق، ذیل نساء) در اصطلاح به معنای به تأخیر انداختن حرمت ماه محرم از وقت خود به ماه صفر است. این کار را عرب جاهلی تا قبل از سال دهم هجری که آیه تحریم نسیء نازل شد، در ماه ذی الحجه انجام می داد. (طبری، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۸۷؛ مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۵۵، ص ۳۴۶)

#### ب) اختلاف درباره سن پیامبر در هنگام بعثت

بسیاری از روایات، سن پیامبر اسلام ﷺ را در هنگام بعثت، چهل سال و برخی چهل و سه سال گفته اند. البته ابن مسعود سن چهل و یک سال را نیز برای آن حضرت یاد کرده است (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۱۸۷، ص ۴۰۲).

#### ج) اختلاف در خصوص سن پیامبر اسلام ﷺ به هنگام وفات

درباره سن رسول خدا ﷺ در هنگام وفات اقوالی رسیده است که دارای اختلاف می باشند. برخی سن ۶۰ و برخی دیگر ۶۳ و یک نفری ۶۵ سال را برای زمان رحلت رسول خدا ﷺ بیان نموده اند و با توجه به اینکه آن حضرت در سن ۴۰ سالگی به نبوت مبعوث شده است، مدت نزول قرآن میان ۲۰ تا ۲۵ سال متغیر خواهد بود (بلاذری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۱؛ طبری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۲۶-۵۲۷ و ۵۷۲).

#### د) اختلاف درباره زمان بعثت پیامبر اسلام ﷺ

درباره زمان هجرت و زمان رحلت پیامبر ﷺ اختلاف مهمی وجود ندارد؛ از این رو در مورد این که دوره مدنی نزول قرآن حدود ده سال بود، اتفاق نظر است؛ اما درباره زمان بعثت سه قول مختلف روایت شده است که به موجب آن ها دوره مکی نزول قرآن چند

ماهی تفاوت پیدا می‌کند. یکی از این اقوال ۱۱ یا ۱۲ ربیع‌الاول است. قول دیگر ماه رمضان است. برخی هم ماه رجب را گفته‌اند. (مجلسی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۸، ص ۲۰۴)

هـ) اختلاف در زمینه مدت نزول قرآن در مکه

روایات، به اتفاق دوره مدنی نزول قرآن را ده سال معرفی کرده‌اند؛ اما دوره مکی نزول قرآن را مختلف گزارش نموده‌اند: برخی آن را هشت و برخی آن را ده و برخی دیگر آن را سیزده سال گفته‌اند که به موجب آن، مدت نزول قرآن دو یا سه یا پنج سال تفاوت پیدا می‌کند. اقوالی که در این زمینه وارد شده عبارت‌اند از: قول هشت سال و برخی قول ده سال و قول سیزده سال. (طبری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۴۰)

## ۵. تاریخ‌گذاری سوره مزمل

بعضی از مفسران گفته‌اند تمام آن در مکه نازل شده و بعضی گفته‌اند در مدینه و بعضی هم گفته‌اند که برخی از آن مکی و برخی هم مدنی می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۵۱). به اعتقاد بصریان نوزده آیه دارد و به اعتقاد کوفیان بیست آیه، کوفیان «المزمل» را یک آیه می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۴، ص ۳۸۲).

### ۵.۱. علت نامگذاری و شان نزول مزمل

در باب علت نام‌گذاری این سوره آورده‌اند که: حضرت رسول ﷺ در مبدأ بعث، نماز گزاردی و به گلیمی خود را پوشیده داشتی و از خدیجه رضی الله عنها منقول است که آن مثل چادری بوده چهارده ذراع، نصفی بر بالای ما بودی و نیمی رسول علیه الصلوه و السلام پوشیدی و بوی نماز ادا کردی حق سبحانه با وی خطاب کرد که یا ایها المزمل ای گلیم در خود پیچیده و گفته‌اند زمل به معنی حمل است یعنی ای بردارند بار نبوت (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۳۰۷).

با توجه به لفظ مزمل (جامه به خود پیچیده) برخی معتقدند که جزء سوره‌هایی است که فراشی می‌باشد و در خواب بر پیامبر نازل گشته، درباره نزولش از ابن عباس نقل شده که زمانی که در غار حرا فرشته وحی بر پیامبر نازل گشت (درحالی که پیامبر در ریاضت و عبادت بود) خوف و وحشت بر او وارد آمد از کوه پایین آمد و درحالی که بدن مبارکش می‌لرزید و گفت: زملونی (مرا بپوشانید) و برخی معتقدند که ایشان لباسی بر خود پیچیده بود تا به نماز بایستد که آیات نازل گردید. امر قسم، نشان‌دهنده وجوب نماز شب بر پیامبر است یا در حالت خواب بوده یا احساس سرما و بیماری نموده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۹۴).

آیات نشان می‌دهد که پیامبر به خاطر دعوتش مورد استهزاء قرار گرفته و به همین خاطر اندوهگین بودند و این آیات برای دلگرمی رسول و پشتیبانی وی از جانب خداوند نازل شده و شاهد این مدعا آیات ۱-۲-۴-۸ است.

از سیاق آیات نخست، امر به نماز شب معلوم می‌گردد که این امر آن‌هم در آغاز رسالت برای آمادگی و استعداد پیامبر برای بر عهده گرفتن مسئولیتی است که به‌زودی به او محول می‌گردد. دریافت وحی و بیان بیهوده بودن تلاش مشرکان و آزارهای آنان.

شأن نزول دیگری از ابن عباس بیان شده است. زمانی که پیامبر در غار حرا مشغول عبادت بود فرشته وحی بر او نازل شد و آیات نخستین سوره علق را بر ایشان تلاوت فرمودند. پیامبر هراسان و وحشت‌زده از کوه به پایین آمد درحالی که بدن مبارکش می‌لرزید و فرمودند: «زملونی» مرا بپوشانید و برخی معتقدند ملحفه‌ای بر پیامبر پیچیده شده بود که این آیات با این لفظ شروع شده است.

خطاب سوره تحسین یا توبیخ نیست بلکه نشان می‌دهد که در زمان نزول آیه، پیامبر چیزی را به خود پیچیده بود یا در حالت خواب بودند یا احساس سرما می‌کردند. (همان، ج ۲۰، ص ۱۴) آیات نشان می‌دهد که پیامبر به خاطر دعوتش مورد استهزاء قرار گرفته و به

همین خاطر اندوهگین بودند و آیاتی که دلالت بر دلگرمی از طرف خداوند است شاهد بر این ماجرا است (۱-۲-۴-۸).

از سیاق آیات اولیه سوره معلوم می‌گردد که امر به نماز شب بر پیامبر در آغاز بعثت بود و این امر به جهت آماده و مستعد ساختن پیامبر برای بر عهده گرفتن مسئولیتی است که به‌زودی بر او محول می‌گردد و آن وحی قرآن و تهدیدها و حرف‌های بیهوده است که در این خلال به او زده می‌شود و تهمت‌هایی است که در این راه بر او وارد می‌کنند از جمله گاهی او را ساحر، مجنون و... می‌خوانند.

#### ۵.۲. محورهای سوره مزمل

محورهای کلی مورد بحث در این سوره در دسته‌بندی ذیل قابل بررسی است:

- ۱- دعوت پیامبر اسلام به قیام شبانه برای عبادت و تلاوت قرآن
- ۲- دعوت او به صبر و شکیبایی و مقاومت و مدارا با مخالفان
- ۳- بحث‌هایی پیرامون معاد و ارسال موسی بن عمران به سوی فرعون
- ۴- تخفیف دستورات شدید آغاز سوره به خاطر گرفتاری‌های مسلمانان.
- ۵- دعوت به تلاوت قرآن و خواندن نماز و دادن زکات و انفاق در راه خدا و استغفار.  
(مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ش، ج ۵، ص ۳۱۱).

#### ۵.۳. ترتیب نزول سوره

سوره مزمل، به ترتیب جمع‌آوری، هفتاد و سومین سوره قرآن و جزء سوره‌های مفصلات است و به ترتیب نزول، سومین سوره است که بعد از سوره «قلم» و قبل از سوره «مدثر» نازل شده است. (معرفت، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، صص ۱۷۶ و ۲۹۷ و ۳۱۳؛

طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۶۰) خصوصیات دیگر این سوره، جزء یازده سوره‌های است که مخاطبات نام‌گذاری شده‌اند که در آن‌ها پیامبر مستقیم مورد خطاب قرار گرفته است.

#### ۵.۴. ارتباط آیات سوره مزمل

اولین آیه: یا أَيُّهَا الْمُزْمَلُ؛ ای در جامه پیچیده. برخی علت این خطاب را چنین بیان داشته‌اند که حضرت رسول در زمان نزول وحی در لباس‌های خویش پیچیده شده بودند. (قمی، ۱۳۶۷ ش، ج ۲، ص ۳۹۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۵، ص ۵۱۶) طبرسی در تفسیر خود علت این نام‌گذاری را ترس ایشان از بار مسئولیت وحی در ابتدای بعثت و پیچیدن در لباس بیان داشته است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۵۸)

آخرین آیه: إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثَيِّ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَقَرِّضُوا لِلَّهِ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ.

برخی معتقدند به سبب آیه اول این سوره، نماز شب بر پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت واجب شده بود و پس از مدتی خداوند تخفیف داده و با آیه «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ» آن وجوب را نسخ کرد. (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۲۴۱)

#### ۵.۵. فضیلت و خواص سوره مزمل

حضرت نبی اکرم ﷺ در فضیلت این سوره فرموده‌اند: «هر کس سوره مزمل را قرائت نماید سختی‌های دنیا و آخرت از او دفع می‌شود». (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۸۵)



از رسول خدا ﷺ روایت شده است: «هر کس سوره مزمل را قرائت نماید اجری همانند کسی که در راه خداوند بندگان را به تعداد جنیان و شیاطین آزاد کند اعطا می شود. سختی دنیا و آخرت از او برداشته می شود و هر کس بر قرائت این سوره مداومت ورزد رسول خدا را در خواب خواهد دید و می تواند آنچه دلش می خواهد از ایشان درخواست نماید». (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۵، ص ۵۱۵)

#### ۵.۶. هدف‌های سوره مزمل

پس در نتیجه آنچه در این سوره می خوانیم:

۱- آداب شب‌زنده‌داری؛ ۲- آداب قرائت قرآن؛ ۳- بشارت نزول وحی؛ ۴- مزایای شب و روز؛ ۵- آداب مسلمانی، در یاد خدا بودن، از غیر خداوند بریدن، به خداوند اعتماد داشتن، شکبیا بودن، از مردان بد دوری گزیدن، دنبال روزی رفتن، در راه حق جنگیدن، نماز گزاردن، بر فقرا زکات دادن و در راه خداوند وام دادن؛ ۶- خداشناسی: خداوند پروردگار ماست، صاحب و مالک شرق و غرب (همه هستی) است، جز او معبود به حقی نیست، یار و یاور بندگان است، وعده او راست است، بر بندگان مطیع پاداش نیک می دهد؛ ۷- معاد و روز قیامت با زنجیرهای سنگین و آتش افروخته، طعام‌های گلوگیر، عذاب دردناک، لرزش زمین، لرزش کوه‌ها و بالاخره شدت روز قیامت؛ ۸- فرمان بردن پیغمبر و گروهی از مؤمنان در شب‌خیزی از امر خداوند و قبول خداوند از آنان و تخفیف دادن به آنان.

این سوره بنا بر قول مشهور دومین سوره‌ای است که بر رسول خدا نازل گشته است. علامه طباطبایی در المیزان می گوید: این سوره از حقایق سور است به طوری که گفته شد این دومین یا سومین سوره‌ای است که بر پیغمبر نازل شده است. عبدالرزاق غالب المهدی در تفسیر «نظم الدرر» از شخصی بدون ذکر نام نقل می کند که این سوره در اول نبوت نازل شد، همچنان که یا ایهاالمدثر در اول رسالت نازل گشته است؛ اما این سخن با توجه

به آیه پانزده این سوره (إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا) بعید است چنانکه در کشف نیز آمده است که «سوره مدثر» پس از «مزل» و «مزل پس از «ن و القلم» و «ن و القلم» پس از «علق» نازل شده است. سیوطی در «درالمنثور» از ابن عباس چنین نقل می‌کند: «سوره مزل در مکه در نخستین روزهای وحی نازل گشته است به طوری که وقتی رسول خدا سخن فرشته را شنید، به سوی او نگاه کرد و هنگامی که او را دید وحشت او را فراگرفت و به خانه آمد و به اهل خانه گفت زملونی، زملونی». در تفسیر منیر هم این سخن با عبارات دیگر نقل شده است. در تفسیر برهان آمده است که سوره مزل پس از سوره قلم بر پیغمبر نازل شده است. (جز آیات ده و یازده و دوازده و بیست که بعد نازل شده‌اند). قرطبی و ابوالفتح رازی و مفسران دیگر هم همین را آورده‌اند. از مطالعه در آیات دهم، یازدهم و دوازدهم و دقت در مفهوم آن‌ها و همچنین انسجام و ارتباط آن‌ها با آیات قبلی می‌توان گفت که نزول این آیات با آیات قبلی این سوره هم‌زمان بوده است؛ لکن در عبارات آیه بیستم قرآینی وجود دارد که نشان می‌دهد این آیه بافاصله زمانی نازل شده است. (برخی این فاصله را یک سال و بعضی بیشتر و حتی ده سال هم ذکر کرده‌اند). (درویشی، نعیمه، سایت انجمن تفسیر و ترجمه قرآن کریم) سوره مزل را باید تدریجی النزول و متشکل از دو واحد نزول دانست؛ به این ترتیب که آیات ۱-۱۹ را یک واحد نزول و آیه آخر آن یعنی آیه ۲۰ مدتی پس از آن نازل شده باشد. دلایل ما برای این امر عبارت‌اند از:

الف) آیات نوزده گانه ابتدایی این سوره، از لحاظ لفظی و معنایی دارای اتصال کامل می‌باشد. در حقیقت این آیات (۱-۱۹) یا به وسیله ضمائر یا حروف عاطفه و یا با انّ تعلیلیه به هم پیوند خورده و باهم ارتباط دارند. گذشته از این نکته، به لحاظ مضمون نیز با یکدیگر ارتباط تام دارند، درحالی که در آیه پایانی چنین ارتباطی با آیات قبل وجود ندارد و با حرف تأکید انّ شروع شده است که کاملاً برای ابتدای کلام، صالح است؛ سوره‌هایی

مانند قدر، فتح، نوح و کوثر که با آن شروع شده‌اند؛ به‌علاوه در این آیه دستورات و قرائنی خاص وجود دارد که به‌روشنی بر تأخر نزول آن نسبت به دیگر آیات دلالت دارد.

به‌عنوان مثال آیات صدر سوره چنین است: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا - نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا - أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا». شب را جز اندکی به پا خیز! نیمش را یا اندکی از آن بکاه یا بر آن برافزای و قرآن را به‌آرامی بخوان! و صدر آیه پایانی این‌گونه است:

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ...؛ به‌راستی پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تو همراه‌اند، کم‌تر از دوسوم و نیم و یک‌سوم شب را برمی‌خیزید و خدا شب و روز را به‌اندازه می‌کند. او دانست که شما نمی‌توانید آن را اندازه‌گیری کنید؛ از این‌رو خدا بر شما گذشت کرد. هر چه از قرآن میسر شد، بخوانید.

ب) طول آیه اخیر (آیه ۲۰) تفاوت قابل توجهی نسبت به طول آیات قبل از آن دارد. طول این آیه تقریباً دوازده برابر طول متوسط آیات قبل از آن است.

ج) لحن و آهنگ آیه ۲۰ با آیات قبلی به کلی متفاوت است. آیات پیشین با تنوین نصب (أ) ختم شده‌اند؛ اما آیه اخیر با إِنَّ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ خاتمه یافته است. همین عدم تناسب در وزن پایانی آیه، نشان‌دهنده عدم هم‌زمانی در نزول دفعی و یک‌باره تمام آیات این سوره می‌باشد.

د) در این آیه، واژگان و ترکیبات خاصی مثل يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ، يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا آمده است که از واژگان و ترکیبات آیات قبل متمایز است؛ به‌طوری‌که برخی از مفسران با استناد به آن‌ها، به مدنی بودن این آیه قائل شده‌اند.

ه) مهم تر از تمام آنچه یاد شد، آیه ۲۰ بر آیات صدر سوره تناظر و ترتب زمانی دارد؛ زیرا در آیات صدر با عبارت «قُمِ اللَّيْلَ» به برپایی نماز در شب فرمان داده می‌شود و در آیه اخیر با عبارت «أَنَّكَ تَقُومُ» از امثال فرمان خبر داده می‌شود و کاملاً روشن است که صدور فرمان بر امثال آن تقدم زمانی دارد و آن از نزول آیه اخیر بعد از ۱۹ آیه صدر سوره حکایت می‌کند.

تمام این موارد، بر نزول جداگانه این آیه (آیه ۲۰) سوره مزمل دلالت دارند.

برخی از روایات نیز نزول جداگانه این آیه را تأیید می‌کنند. قتاده، حسن بصری، عکرمه، عایشه، ابن عباس و ابو عبدالرحمن سلمی آورده‌اند که آیه آخر یک سال پس از آیات نخست نازل شد؛ (سیوطی؛ الدر المنثور، ج ۷، ص ۴۴۰-۴۴۱ و ۴۴۸) ولی سعید بن جبیر گوید: آن پس از ده سال نزول یافت. (همان) البته روایت سعید به جهت شدوژی که دارد، مردود تلقی می‌شود؛ به خصوص آن که با مبنای توقیفی بودن ترتیب نزول نیز سازگاری ندارد؛ چون لازمه روایت سعید آن است که پس از نزول نوزده آیه آغاز سوره مزمل، دهها سوره دیگر نازل شده باشد و چنان که آمد، طبق مبنای مذکور مردود است. پذیرش روایات دیگر، اگرچه دشوار می‌نماید ولی می‌توانند با مبنای یادشده سازگار باشد؛ چون می‌توان گفت که میان دو بخش این سوره به مدت یک سال وحی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فترت پیدا کرده است. (ر.ک. در آمدی بر تاریخ گذاری قرآن، جعفر نکونام، صص ۱۱۳-۱۱۶ و التفسیر الحدیث، محمد عزه دروزه، سوره مزمل، صص ۴۴۰-۴۰۵)

محمد عزه دروزه درباره سوره مدثر معتقد است که با توجه به ارتباط لفظی و معنایی موجود میان آیات، آن دفعی النزول بوده و یک باره بر پیامبر نازل گردیده است. (ر.ک. محمد عزه دروزه، التفسیر الحدیث، ج ۱ سوره مدثر، ص ۴۴۰).

## نتیجه‌گیری

تاریخ‌گذاری قرآن، تعیین تاریخ نزول وحی بر پیامبر اسلام ﷺ در طول دوره بیست‌وسه‌ساله نبوت می‌باشد؛ چه این وحی، یک سوره تمام یا بخشی از یک سوره باشد.

پیرامون نزول وحی و نخستین کلامی که بر پیامبر نازل شد، اختلاف‌نظر دیده می‌شود. در آیاتی از قرآن، نزول وحی و قرآن در ماه مبارک رمضان، برخی بعثت و نزول وحی را در ماه رجب و برخی دیگر در ربیع‌الاول دانسته‌اند.

سوره مزمل در مکه نازل شده و دارای ۲۰ آیه است. کلمه مزمل به معنی «گلیم به خود پیچیده» است. این سوره از سوره‌های مفاصل قرآن است که بخش میانی حزب سوم از جزء ۲۹ را تشکیل می‌دهد و همچنین از سوره‌های یازده‌گانه مخاطبات است که خطاب به پیامبر اسلام دارند. بعضی از مفسران گفته‌اند تمام آن در مکه نازل شده و بعضی گفته‌اند در مدینه و برخی گفته‌اند که بعضی از آن مکی و بخشی هم مدنی می‌باشد. آیات نشان می‌دهد که پیامبر به خاطر دعوتش مورد استهزاء قرار گرفته و اندوهگین بودند و این آیات برای دلگرمی رسول و پشتیبانی وی از جانب خداوند نازل شده است. این سوره به ترتیب جمع‌آوری، هفتاد و سومین سوره است. به ترتیب نزول، سومین سوره است که بعد از سوره «قلم» و قبل از سوره «مدثر» نازل شده است.

مضمون هر دو سوره دارای شباهتهایی است از جمله دعوت به شب‌زنده‌داری و پرهیز از خواب زیاد. سحرخیزی برکاتی دارد که خداوند سبحان در این دو سوره به آن توجه کرده است. تشابه دیگر در این دو سوره که بنا به اغلب روایات پشت سر هم نازل شده‌اند، انذار کافران و ترس از عذاب الهی است. توجه به‌روز قیامت و سرنوشت

کافران از دیگر درون‌مایه‌های مشترک است. تکیه بر اینکه کلید هدایت در دستان پروردگار است و هیچ‌کس نمی‌تواند از او سرپیچی کند، در هر دو سوره مورد تأکید است.



## فهرست منابع

قرآن کریم.

الف) منابع فارسی:

۱. بازرگان، مهدی، سیر تحول قرآن، ج ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰.
  ۲. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
  ۳. مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، ۱۳۸۲ ش.
  ۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
  ۵. موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ه.ش.
  ۶. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۰.
- ب) منابع عربی:
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
  ۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بعثت، ۱۴۱۶ ق.
  ۹. دروزه، محمد عزّه، التفسیر الحدیث، ج ۱-۱۲، القاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ ق.
  ۱۰. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
  ۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
  ۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
  ۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
  ۱۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ۱۴۱۸.
  ۱۵. عبدالقادر، ملاحویش آل غازی عانی، بیان المعانی، دمشق، مطبقة الترقی، ۱۳۸۲ ق.
  ۱۶. قمی، علی بن ابراهیم تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷.
  ۱۷. کاشفی سبزواری، حسین بن علی، مواهب علیه، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۹ ش.
  ۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دارالتراث، ۱۴۱۴ ق.
  ۱۹. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۸ ش.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی